

Principles, Components and Indicators of the School of Islamic Civilization

Received: 2021/09/23 Accepted: 2022/01/20

Tahereh Mohammadi*, Gholamreza Wesi**

(133-161)

Education is one of the imperative pillars of culture and civilization, and educational institutions have a complex and decisive role in civilization. The purpose of this study is to obtain the principles, components and indicators of the school of Islamic civilization. This research is qualitative, and its method is derived from Glyzer's data theory and emerging design. Participants in the study included twelve faculty members in the field of educational sciences and nine faculty members in the field of Islamic civilization who were selected by purposive sampling. The Depot and Gillette content analytical method is used to analyze the data. About the components of the school of Islamic civilization, the leader recommends five main categories of the curriculum: Organizational atmosphere of the school, cultural factors and human resources on five bases (theology, ontology, epistemology, anthropology and axiology) and eleven components of God-centeredness, justice, universality, consequentialism, human dignity, science, reason, freedom of thought, morality, tolerance and struggle were achieved. In the field of policies and actions, seventy-three open source and nineteen categories were identified. Finally, a model has been designed and developed in order to realize the school of Islamic civilization.

Keywords: Civilization, Islamic, School, Model.

* . Ph.D. student of educational management at Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran- mohammadi.12834@gmail.com.

** . Assistant Professor of Curriculum Planning, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran- razavaesi@gmail.com.



مبانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدرسه تمدن‌ساز اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

طاهره محمدی *

غلامرضا ویسی **

(۱۶۱-۱۳۳)

چکیده

آموزش از ارکان مهم فرهنگ و تمدن است و نهادهای آموزشی نقشی حساس و تعیین‌کننده در تمدن‌سازی برعهده دارد. هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به مبانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدرسه تمدن‌ساز اسلامی است. این پژوهش، کیفی و روش آن نظریه برخاسته از داده‌ها و طرح نخواست‌گلیزر است. مشارکت‌کنندگان تحقیق شامل دوازده نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه در زمینه علوم تربیتی و نه عضو هیئت علمی در زمینه تمدن اسلامی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون دپوی و گیلین استفاده شده است. درباره مؤلفه‌های مدرسه تمدن‌ساز اسلامی، پنج مقوله اصلی برنامه درسی، رهبری بینش‌مند، جو سازمانی مدرسه، عوامل فرهنگی و منابع انسانی بر پنج مبنای خداشناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی و یازده مؤلفه خدامحوری، عدالت، جهان‌شمولی، عاقبت‌اندیشی، کرامت انسانی، علم، خردورزی، آزاداندیشی، اخلاق، تساهل و مدارا و مجاهدت حاصل شد. در زمینه سیاست‌ها و اقدامات ۷۳ کد باز و نوزده مقوله شناسایی شدند. در نهایت الگویی به منظور تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی طراحی و تدوین شده است.

واژگان کلیدی: تمدن‌سازی، اسلامی، مدرسه، الگو.

* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران - mohammadi.12834@gmail.com

** استادیار برنامه ریزی درسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران - razavaisi@gmail.com

مقدمه

آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی فرهنگ‌ساز و تمدن‌ساز، نقشی حساس و تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورها برعهده دارد و اکثر اندیشمندان و صاحب‌نظران آن را موتور محرک و زیربنای رشد و توسعه جوامع می‌دانند و هرگونه رشد و توسعه مادی و معنوی جوامع، مستلزم پویایی و تحول آموزش و پرورش است. در این مسیر، مدارس به‌عنوان مکانی که دانش‌آموزان به‌عنوان آینده‌سازان مملکت عمده وقت خود را در آن می‌گذرانند و شخصیت و منششان در ارتباط با برنامه‌های آموزشی و افرادی که تحت تعلیم آنها هستند در حال شکل‌گیری است، باید در برنامه‌ریزی در جهت تحقق این مهم به‌عنوان عاملی بسیار مؤثر مد نظر باشد. سیستم مدرسه مسئول ادامه زندگی اجتماعی و ارتقای فرد در چهارچوب انتظارات جامعه است و آینه جامعه و سلسله‌مراتب اجتماعی در چهارچوب نظام آموزش و پرورش است که در محیط اجتماعی پیوسته در حال تغییر و تحول فعالیت می‌کند و مستقیم یا غیرمستقیم بر جامعه اثر می‌گذارد (Augustiniene, & et al, 2015). در هر جامعه‌ای موفقیت مدارس به حفظ بافت ارزش‌های آن جامعه بستگی دارد. کشور ایران با بافتی اسلامی در زمینه تمدن‌سازی اسلامی گام برداشته است که یکی از عرصه‌های اجرایی آن، مدارس هستند. مدارس به‌عنوان پایدارترین شکل نهاد آموزش و پرورش همواره در معرض پرسش‌هایی در قبال کیفیت خود بوده‌اند. تحقق مدرسه باکیفیت در ترکیب با مفهوم مدیریت کیفیت، سازه‌ای گسترده و چندبعدی است که مستلزم بازآرایی ساختار مدارس و بهبود محصولات و خدمات مدرسه، مشارکت همه‌جانبه و ایجاد فضای اطمینان‌بخش برای همه گروه‌های ذی‌نفع مدرسه است (خلخال و قهرمانی، ۱۳۹۱).

در تعریف تمدن آمده است: تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت (جعفری، ۱۳۷۳). اسلام دینی است که با توجه به جهان‌بینی برخاسته از متن قرآن و سیره نبوی و اولیای الهی، همه آنچه را که بشر برای تعالی خویش بدان نیازمند است، در اختیارش می‌نهد. بنابراین، تمدن اسلامی تمدنی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور

دین اسلام می‌چرخد. با توجه به همین پسوند پرمایه، دارای آغاز و انتهاست (جان‌احمدی، ۱۳۹۹). لذا تمدن اسلامی ناظر به انقلاب اسلامی ایران، شکل جامع و فراگیری از اسلام است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است (الویری و برزویی، ۱۳۹۴). آنچه بهره تمدن اسلامی خواهد بود عبارت است از: شکوفایی اندیشه و اخلاق، فراگیر شدن فرهنگ اسلامی، اقتدار همه‌جانبه (سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی). باید مدارس تمام امکانات را در جهت تحقق این مهم همسو سازند تا حیات طیبه حاصل شود. درباره این موضوع تحقیقاتی به شرح ذیل صورت پذیرفته است:

محمدآبادی و یاری دهنوی (۱۳۹۹) در پژوهشی به تبیین و نقد جریان مدارس تمدن‌سازی امام خمینی^ع در ایران پرداختند، که نتیجه حاصل شده از این مدارس حاکی از آن است که ضمن هم‌راستا بودن بیشتر فعالیت‌های این مدارس با سند تحول آموزش و پرورش، انتقادهایی بر آنها وارد است؛ از جمله آزمون و خطای متعدد، نبودن نظام ارزشیابی شفاف دانش‌آموز و مربی، تغییرات زیاد در برنامه‌ریزی‌ها که ناشی از ابهام در روش‌ها و بهره کافی نگرفتن از کتاب‌ها و پژوهش‌های نظری در برخی زمینه‌هاست.

همت‌یار و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی میزان انعکاس مفاهیم سبک زندگی تمدن‌ساز اسلامی-ایرانی پیشرفت در محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی پرداختند. یافته‌ها نشان داد مفهوم اعتقادی-اخلاقی-علمی و آموزشی و سیاسی سبک زندگی تمدن‌ساز اسلامی-ایرانی پیشرفت در کتاب‌های دوره ابتدایی به میزان زیادی انعکاس یافته است. مفهوم فرهنگی و هنری-اجتماعی، زیستی و اقتصادی سبک زندگی تمدن‌ساز اسلامی-ایرانی پیشرفت در کتاب‌های دوره ابتدایی به میزان کمی منعکس شده است. بین میزان مفاهیم انعکاس یافته سبک زندگی اسلامی - ایرانی تفاوت وجود دارد. در نهایت این نتیجه حاصل شد که مفاهیم فرهنگی و هنری، اجتماعی و زیستی سبک زندگی تمدن‌ساز اسلامی-ایرانی پیشرفت در کتاب‌های دوره ابتدایی به میزان کمی انعکاس یافته است که باید بیش از پیش مورد توجه متخصصان امر قرار گیرد.

مرور تحقیقات حاکی از این است که نگاه جامع و مانعی در اجرایی کردن مدرسه

تمدن‌ساز اسلامی حاکم نیست. طراحی نامناسب کتاب‌های درسی و فقر محتوای غنی از تمدن‌سازی، نبود ملاکی برای ارزشیابی و الگویی همه‌جانبه‌نگر که اجزا و موضوعات اصلی تبیین‌کننده مدرسه تمدن‌ساز را مشخص سازد تا با اجرای آن کارایی و اثربخشی حاصل شود، محقق نشده است. لذا در نیل به این هدف، مدارس باید مجهز به مؤلفه‌ها و شاخص‌های خلق‌کننده این تمدن گهربار باشند. این پژوهش بر آن است که مبانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدرسه تمدن‌ساز اسلامی را ارائه دهد.

چهارچوب نظری پژوهش

تمدن اسلامی

پیش از تعریف تمدن اسلامی، توجه به این موضوع لازم است که در تقسیم‌بندی‌هایی که از ادیان جهانی می‌شود، اسلام در زمره ادیان تمدن‌ساز قرار می‌گیرد. گرچه ارائه تعریفی دقیق و جامع از تمدن دشوار می‌باشد، قدر مسلم این است که هر تمدنی بر پایه دو نظام، یکی ارزشی و دیگری اجرایی استوار است. نظام ارزشی اعم از ارزش‌های فردی و اجتماعی دربردارنده همه جنبه‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. مطالعه تعالیم اسلامی به‌خوبی نشان می‌دهد که دین اسلام به هر روی این نظام‌ها التفات داشته است؛ زیرا از سویی، همه ارزش‌های فردی و اجتماعی را تعریف کرده و از سوی دیگر، پابندی به آنها را از پیروانش خواسته است، که در چهارچوب آنها استعدادهای انسانی شکوفا می‌گردد؛ خیر فراگیر و شر منکوب می‌شود؛ عدالت گسترده می‌شود و بی‌عدالتی و ستمگری از جامعه رخت برمی‌بندد (فهمی هیکل، به نقل از: زمانی محبوب، ۱۳۹۶).

مبانی و مؤلفه‌های تمدن اسلامی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن اسلامی بر پنج مبنای خداشناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی در ذیل آمده است.

خداشناسی

خداشناسی مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره آفریدگار هستی، و نخستین

شناخت ضروری درباره مبدأ هستی است که در سه محور بنیادین خداشناسی، خداباوری و خداپرستی تبلور می‌یابد و با عبودیت و بندگی به ظهور می‌رسد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). از مؤلفه‌های تمدن اسلامی در این زمینه، خدامحوری و عدالت است.

خدامحوری: اصلی‌ترین شاخص تمدن اسلامی خدامحوری است؛ یعنی اعتقاد به وحدانیت خداوند در همه اقسام توحید و در مقابل انسان‌محوری، خداوند یگانه را در محور زندگی قرار دادن. این خدامحوری گرچه اصالت و محوریت انسان را در زندگی از بین می‌برد، به معنای بی‌توجهی به منزلت انسانی در نظام آفرینش نیست، بلکه آن‌گونه که در نظام اسلامی به انسان و برآوردن نیازهایش توجه شده است، در هیچ نظامی این اندازه اهمیت به انسان مشاهده نمی‌شود. در نتیجه در هرگونه تمدن‌سازی اسلامی باید در صراط مستقیم خدامحوری گام برداشت و با انسان‌محوری و بی‌توجهی به ارزش‌های الهی نمی‌توان انتظار داشت که تمدن اسلامی تحقق یابد.

عدالت: عدالت رکن اصلی پیشرفت جامعه، و ظلم از موانع حرکت تمدنی و عامل انحطاط تمدن‌هاست (ملاعباسی، به نقل از: زمانی محجوب، ۱۳۹۶). از نظر علامه جعفری، عدالت و کرامت انسانی نیروهای اصلی نگاه‌دارنده و پایدارکننده تمدن‌ها هستند که در قالب اعتراف انسان به حقانیت الهی نهفته‌اند (جعفری، به نقل از زمانی محجوب، ۱۳۹۶). اسلام بیش از هر دین دیگری برای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها الگو ارائه می‌کند و بر تک‌تک رفتارهای انسانی نظر دارد، تا مجموعه انسان‌ها به گونه‌ای رفتار کنند که در جامعه حق و عدالت بر پا شود. از این‌رو از مهم‌ترین پایه‌های تمدن اسلامی دادگری است که در جای‌جای قرآن کریم با دو تعبیر قسط و عدل از آن سخن به میان آمده است. خداوند در قرآن تأکید دارد که همه پیامبران الهی آمده‌اند تا دادگری را در میان مردم بر پای دارند.^۱

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید: ۲۵)؛ ما پیامبران خدا را با نشانه‌ها و معجزات و دلایل بارز فرستادیم و به ایشان کتاب دین و معیار شناخت حق از باطل را عنایت فرمودیم که مردم را به روال رفتار عادلانه برانگیزانند؛ و ما آهن را ایجاد فرمودیم که هم وسیله ساختن سلاح برای جنگ است، هم سودمندی‌های دیگر برای مردم دارد. خداوند کسانی که او و پیامبرانش را در راه استقرار دین یاری می‌کنند معلوم و مشخص می‌فرماید. همانا خداوند، آن بی‌همتا، قدرتمند شکست‌ناپذیر است.»

هستی‌شناسی

هستی‌شناسی قلمرویی از دانش فلسفی است که موضوع اصلی آن تبیین چیستی و چرایی واقعیت وجود و عناصر عالم هستی (بیان ماهیت هستی و علت غایی آن) با رویکرد اسلامی است (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). از مؤلفه‌های تمدن اسلامی در این زمینه، جهان‌شمولی و عاقبت‌اندیشی است.

جهان‌شمولی: برخلاف ادیان ابراهیمی دیگر که وسعت تعالیشان عموماً در یک قلمرو یا قومی خاص محدود می‌شد، دین مبین اسلام گستره مخاطبان خود را سراسر عالم معرفی می‌کند. اسلام از همان آغاز داعیه جهان‌شمولی داشته و خود را در حصار تنگ نژادی، قومی و زبانی محصور نساخته است. گرچه خاستگاه آن در میان قوم عرب بود، رسالتی جهانی را تبلیغ کرد و تعالیم چندبعدی اسلام که سعادت دنیا و آخرت را به مخاطبانش نوید می‌دهد، سبب جذب مردم سرزمین‌های فتح‌شده و خدمتگزاری آنها به تمدن اسلامی شد. ازاین‌رو اسلام در میان بربرهای افریقا به همان سهولت برای خود جا باز کرد که در سرزمین‌های دورافتاده آسیای شرقی، و بی‌آنکه در اصول بنیادی آن از لحاظ اعتقادی تغییری روی دهد، با محیط‌های جدید و متفاوت و با همه گوناگونی‌های بومی و جغرافیایی و فرهنگی و اجتماعی سازگار شد و به نیازهای روحی و معیشتی مردمان در هر جایی که راه یافت پاسخ گفت (مجتبایی، ۱۳۷۲، به نقل از: زمانی محبوب، ۱۳۹۶).

تمدن اسلامی از دو ویژگی «جهانی بودن» و «مذهبی بودن» برخوردار است که ویژگی نخست، آن را به تمدنی میان‌قاره‌ای تبدیل کرده و ویژگی دوم آن را در زمره تمدن‌های دینی جهان درآورده است. درمجموع تمدن اسلامی میراث مشترک مردم و ملت‌هایی است که روزگاری زیر سلطه اسلام درآمدند و در ساخت و شکوفایی آن ایفای نقش کردند. اینان ملت‌هایی بودند که تار و پود مستحکم امت اسلامی را تشکیل می‌دادند. به این ترتیب تمدن اسلامی، نه به نژاد خاصی تعلق دارد و نه ملی است که به مردم خاصی تعلق داشته باشد، بلکه تمدنی است گسترده که همه گروه‌های نژادی و قومی‌ای را که در پیدایش، رونق و طراوت و گسترش و نفوذ آن در دوران اوج شکوفایی نقش داشته‌اند دربرمی‌گیرد و همین ویژگی جهانی بودن به

تمدن اسلامی امکان داد تا نژادها، اقوام و فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون را در خود جای دهد و از عناصر سازنده و ارزنده آنان بهره ببرد (بینش، ۱۳۸۸: ۲۲).
عاقبت‌اندیشی: اهمیت این اصل در کلام امام علی علیه السلام گویاست که می‌فرمایند: «عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر در عاقبت کارهایش بیندیشد» (شرح غرر الحکم، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۸۴)؛ یا در روایتی دیگر می‌فرمایند: «چشم دل انسان خردمند پایان کارش را می‌بیند و نشیب و فراز خویش را می‌شناسد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳). آیات و روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد که نشان از تبیین اصل عاقبت‌اندیشی و دورنگری به عنوان یک مؤلفه مؤثر در تمدن‌سازی اسلامی است؛ چراکه این رویکرد محقق نمی‌شود جز با دید بلند.

انسان‌شناسی

انسان‌شناسی دربارهٔ ویژگی‌ها و ابعاد وجود انسان به عنوان یکی از عناصر سه‌گانه هستی (خدا، عالم و انسان) بحث می‌کند. انسان‌شناسی فلسفی چیستی، چگونگی و موقعیت انسان را در هستی تبیین و بررسی می‌کند (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). از مؤلفه‌های تمدن اسلامی در این زمینه، کرامت انسانی است.

کرامت انسانی: کرامت انسانی یکی از مشخصه‌های مهم ماهیت انسان به شمار می‌رود. در قرآن کریم آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا آدَمَ (اسراء: ۷۰)؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.»^۱ مهم‌ترین گوهری که خداوند متعال در خلقت انسان به او عطا فرمود «کرامت انسانی» است. این ویژگی مهم موجب تمایز انسان از سایر موجودات و عامل تمدن‌سازی است. از این رو بین کرامت انسانی و تمدن پیوند اساسی برقرار است و فراز و فرود هریک بر دیگری اثر دارد. به طور کلی زمانی که انسان با جامعه انسانی در سراسیمگی ذلت قرار

۱ در اسلام از سویی به خود انسان به چشم موجودی گرامی، ارزشمند و بافضیلت نگریده شده است و از سویی دیگر از وی خواسته شده تا رفتارش را با دیگران بر پایه تقوا، فضیلت، مهربانی، گذشت، مساوات و دیگر فضایل اخلاقی پی بریزد (مارسل بوازار، اسلام و حقوق بشر، ۲۸ و ۱۳۵). این موارد از یک سو، نشان‌دهنده ابعاد انسانی تعالیم اسلامی است و از سویی دیگر، بیانگر این است که اسلام بیش از هر تمدن یا دین دیگر، احترام به شخص انسان را در اجتماعی مبنی بر مساوات و جویای بهترین نوع عدالت ممکن و با هدایت شریعتی فراگیرنده همگان با قاطعیت مسلم دانسته است.

می‌گیرد، از هر ابتکار و خلاقیتی تهی می‌شود، اما زمانی که همین انسان یا جامعه انسانی، عزتمند می‌شود، پتانسیل رسیدن به هدف‌های والا در او فعلیت پیدا می‌کند، به سمت ابتکار و ابداع می‌رود و خود را متحول می‌کند. نتیجه این تغییر تمدن‌سازی است.^۱ بر این مبنا، عزت و کرامت یکی از شاه‌کلیدهای تمدن‌سازی اسلامی است و مسلمانان با اتکا به عزتشان توانستند در مدت کوتاهی، قله‌های دانش و فرهنگ جهان را فتح و تمدن بزرگ اسلامی را ایجاد کنند.

معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی به بررسی ابعاد معرفت می‌پردازد و به پرسش‌هایی مانند امکان، ماهیت و چیستی معرفت، حدود شناخت، ارزش شناخت، انواع و ابزار شناخت و ملاک صدق قضایا با رویکرد اسلامی پاسخ می‌دهد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). از مؤلفه‌های تمدن اسلامی در این زمینه، علم و خردورزی است.

علم: بی‌شک علم پایه تمدن است و مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم از شاخص‌های مهم و چراغ راه تمدن اسلامی است. مواد اولیه تمدن‌سازی دینی علوم و معارف قرآنی است. رسالت پیامبر با خواندن آغاز شد (قلم: ۱). اصل کلمه علم حدود هشتاد بار در قرآن آمده است. قرآن در آیه نهم سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در آیه ۱۱۴ سوره طه به پیامبر امر می‌کند که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن مانند ۲۸۰ بقره، ۱۹۰ آل عمران، ده انعام، پنج یونس و پانزده عنکبوت کسانی که اهل علم نیستند پیوسته سرزنش می‌شوند.

سفارش‌های مکرر پیامبر درباره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است (در این زمینه، ر. ک. فیض کاشانی، ۱۳۳۹، ج ۱: ۲۲). روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختی هرکس را بخواهد، او را در دین دانا گرداند»، «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند»،

۱. چنان‌که در دوره امویان فراگیری ذلت در جامعه اسلامی مانع رشد تمدنی جهان اسلام گشت و قیام امام حسین علیه السلام با شعار «هیئات من الذله» یک قیام تمدن‌ساز است. با تشکیل برخی حکومت‌های مستقل در جهان اسلام، جامعه اسلامی از ذلت مرگ‌بار دوره اموی خارج شد و با وجود برخی امرای ستمگر، حیات می‌یابند و همین جوش مردمی جامعه را به سوی تمدن اسلامی سوق می‌دهد.

«دانشمندان وارثان پیامبران‌اند» و «نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند» بیانگر اهمیت علم در دین اسلام است (فیض کاشانی، ۱۳۳۹، ج: ۱۳-۱۷).
اهتمام ویژه اسلام به دانش‌پروری و توصیه و تشویق مؤکدی که اسلام در توجه به علم و علما می‌کرد، از اسباب عمده در آشنایی مسلمانان با فرهنگ و دانش انسانی بود (زرین‌کوب، ۱۳۹۱: ۲۶) و باعث شد مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و تمدن انسانی برآیند و به گسترش تعلیم و تربیت بپردازند (قربانی، ۱۳۵۴: ۶۵).
خردورزی: عقلانیت یکی از مؤلفه‌های مهم تمدن است. اگر نظام فکری در پس تمدن نباشد، تمدنی شکوفا نخواهد شد. عقلانیت و خردورزی بن‌مایه تمدن اسلامی است. بر همین اساس، در روایات اسلامی یک ساعت اندیشیدن برتر از عبادات چندین‌ساله است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ۱۳۵۴ق، ج: ۵: ۲۵۵).

ارزش‌شناسی

ارزش‌شناسی چیست، چرایی و چگونگی ارزش‌ها را به شکل عقلانی تبیین می‌کند. در این حوزه پرسش‌هایی از قبیل چیستی ارزش‌ها و رابطه ارزش‌ها با واقعیت‌ها، ثبات و تغییر ارزش‌ها و سلسله‌مراتب ارزش‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. ارزش‌ها در زندگی انسان همان آرمان‌های جهت‌دهنده و هدایتگری هستند که از جهان‌بینی او نشئت می‌گیرند. مبانی ارزش‌شناسی شامل گزاره‌های ارزش‌ها از منظر اسلامی و نحوه تحقق آنهاست (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). از مؤلفه‌های تمدن اسلامی در این زمینه آزاداندیشی، اخلاق، تساهل و مدارا و مجاهدت است.

آزاداندیشی: آزاداندیشی پیش‌نیاز هر نوع خلاقیت^۱ و نوآوری در هر تمدنی است. از نظر اسلام، آزادی یکی از ارزش‌های اصلی نوع بشری به‌شمار می‌آید (جعفری، ۱۳۶۹: ۲۳۳)، و مسلمانان آن را در حق همگان رعایت می‌کردند. قرآن (انسان: ۳؛ آل‌عمران: ۶۴؛ زمر:

۱. خلاقیت مهم‌ترین بعد ماهوی انسان است و درواقع اندیشه، دانایی و دانش در خدمت خلاقیت است و ملت و کشوری که بتواند خلاقیت بیشتری داشته باشد، در عرصه تمدن‌سازی نقش بیشتری می‌یابد. این خلاقیت در گرو آزادی است. بدیهی است آزادی به‌عنوان نردبان خلاقیت، غیر از رهایی به‌عنوان نردبان شهوت است. آزادی در خلاقیت ثمره‌اش تولید علم و فن است و رهایی محصولش تخریب هویت انسانی (مهاجرانی، ۱۳۷۵، ۴۳).

۱۷) و احادیث پیشوایان دین اسلام، انسان را موجودی مختار و آزاد معرفی کرده‌اند و پیروان اسلام را به آزاداندیشی و نداشتن جمود فکری و تعصب فراخوانده‌اند (عبدالمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۹۴-۱۹۵).

اخلاق: یکی دیگر از شاخص‌های مهم تمدن اسلامی نظام اخلاقی است. اخلاق عامل پیونددهنده اجتماع انسانی، عامل بازدارنده خطا و نیز موجد رعایت حقوق دیگران در جامعه است (جان‌احمدی، ۱۳۹۹). آنچه از آیات قرآن مجید در این زمینه استفاده می‌شود و در روایات اسلامی نیز بازتاب گسترده‌ای دارد، حاکی از تأثیر عمیق صفات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها و نقش بسزای آن در تمدن‌سازی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۱: ۴۵). حقیقت امر این است جنبه اخلاقی تمدن جز در فرهنگ و تمدن اسلامی ادا نشده است؛ فرهنگ و تمدنی که مبتنی بر اخلاق و ارزش‌هاست و بعثت پیامبرش به طور خاص برای اتمام و کمال مکارم اخلاق بوده است^۱ و این زمانی بود که اخلاق و ارزش‌ها در جامعه آن روز جایگاهی نداشت.

تساهل و مدارا: آمادگی برای پذیرش افکار تازه و عناصر فرهنگی دیگران و تطبیق کردن آن با روح توحیدی اسلام از دیگر ممیزات اساسی فرهنگ و تمدن اسلامی بود. جنبه‌های انسانی تمدن اسلامی، چنان پررنگ بود که توانست به عناصر پراکنده آن وحدت بخشد و عناصر غیرخودی را نیز پذیرا شود و در خود هضم کند. پرواضح است که اگر مسلمانان تنگ‌نظرانه به این بعد از مذهب خود توجه نمی‌کردند، درخت تمدنشان به بار نمی‌نشست. تمدن اسلامی درهای خود را به روی تمدن‌های دیگر نبست. بدین‌گونه اسلام که یک امپراتوری عظیم جهانی بود با سماحت و تساهلی که از مختصات اساسی آن به‌شمار می‌آمد، موارث و آداب‌های زبان اقوام مختلف را تحمل کرد، همه را به هم درآمیخت و از آن چیز تازه‌ای ساخت (زرین‌کوب، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۱).

مجاهدت: بی‌شک پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در منابع

۱. رسول اکرم می‌فرماید: «انی بعثت لأتمم مکارم الأخلاق (متقی هندی، کنز العمال، ج ۳: ۹)؛ من برای کامل کردن مکارم اخلاق برگزیده شده‌ام.»

اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبوق به سابقه نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. کار در فرهنگ جاهلی ننگ است، درحالی که در فرهنگ اسلامی تلاش و مجاهدت عبادت است و منابع دینی مانند قرآن و نهج البلاغه مملو از عباراتی در تمجید افراد پرتلاش است. در همین راستا توجه به زمان نیز مهم است؛ یعنی تلاش و مجاهدت بموقع و همیشگی. نتیجه آنکه اسلام اگرچه در ذات خود قابلیت تمدن‌سازی دارد، خود تمدن نمی‌سازد، بلکه این انسان‌ها هستند که با کار و تلاش پیگیر و به کمک دستورهای اسلام تمدن می‌سازند (الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، توسعه‌ای است؛ زیرا هدف این است که عناصر و مؤلفه‌ها و اقدامات مورد نیاز به منظور تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی شناسایی و الگوی متناسب با آن ارائه شود. از این‌رو ارائه الگویی بدیع در این زمینه می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌ها و اقدامات بعدی باشد. از منظر روش اجراء، توصیفی از نوع اکتشافی است؛ زیرا بر اساس هدف پژوهش، برای شناسایی عناصر و مؤلفه‌ها برای تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی باید شرایط پدیده مورد بررسی توسط مشارکت‌کنندگان توصیف و تحلیل شود.

از روش نظریه برخاسته از داده‌ها و از طرح نوخاسته گلیر^۱ برای روش کیفی استفاده شد. در این طرح، با این پیش‌فرض که باید امکان داد تا نظریه از داده تکوین یابد، نه اینکه مقوله‌های ویژه‌ای را مورد تأکید قرار داد (بازرگان، ۱۳۹۳)، سعی شد الگویی به منظور تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شود. به عبارتی بر اساس ذهنیات و ساختارهای شناختی موجود در افکار افراد مورد مطالعه، سعی شد مؤلفه‌ها، عناصر، سیاست‌ها و اقدامات مورد نیاز در راستای محقق شدن مدرسه تمدن‌ساز اسلامی شناسایی شود. در تدوین الگوی گفته‌شده با این هدف که اطلاعات و مقوله‌های الگو از ذی‌نفعان و

1. Glaser emergning design.

ذی‌ربطان اصلی به‌دست آید، جامعه مورد بررسی شامل خبرگان دانشگاهی مطلع از علوم تربیتی و تمدن اسلامی بود. خبرگان عبارت از افرادی بودند که در زمینه علوم تربیتی و تمدن اسلامی و تمدن‌سازی، صاحب کتاب و مقاله علمی-پژوهشی و طرح پژوهشی بودند. براساس جست‌وجوی منابع اطلاعاتی و بررسی آثار و تألیف‌ها، ۲۱ نفر از خبرگان دانشگاهی تشخیص داده شدند.

برای انجام تحقیق، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ زیرا باید اطلاعات از افرادی به‌دست می‌آمد که با فرایند آموزش و پرورش و مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، فلسفه آموزش و پرورش و دیگر گرایش‌های علوم تربیتی آشنایی داشتند و در این زمینه فعالیت فکری و عملی انجام داده بودند یا تجربه زیسته داشتند. این افراد با هدف خاصی (آشنایی با ساختار و فرایند مدیریت مدرسه) انتخاب شدند. پس به این دلیل نمونه‌گیری بر اساس هدف تحقیق شکل گرفت. براین اساس مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته فرایند نمونه‌گیری پیش رفت و ابعاد مسئله مورد کاوش قرار گرفت. آن‌قدر مصاحبه‌ها با نمونه‌ها ادامه یافت تا پس از چهارده مصاحبه، به حد اشباع نظری اطلاعاتی رسید. به عبارتی، مشارکت‌کنندگانی که در مرحله نهایی مصاحبه شدند، کدها و اطلاعات جدیدی ارائه نکردند. بااین‌حال، برای اطمینان مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد و با ۲۱ نفر مصاحبه انجام شد. انتخاب این افراد بر اساس ویژگی‌ها و شرایطی که در معرفی جامعه بیان شد صورت گرفت. لذا جامعه آماری شامل دوازده متخصص علوم تربیتی و نه متخصص تمدن اسلامی بودند.

ابزار گردآوری داده‌ها در این بخش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ بود. در این نوع مصاحبه، سؤال‌ها از قبل طراحی شده‌اند و هدف کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه‌شونده است. در آن هر پاسخ با سؤال‌های پیگیر مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد و از مشارکت‌کننده با سؤال خواسته می‌شود توضیح بیشتری درباره پاسخ‌های خود بدهد.

روش تحلیل داده‌ها و اطلاعات، تحلیل مضمون^۲ بود که روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (Braun & Clarke, 2006). در این روش،

1. semi structured interview.

2. thematic analysis.

تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی است که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌دادها و برون‌دادها به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. علت استفاده از این روش این بود که باید ابتدا مضامین و مقوله‌های مورد نیاز برای تحقق مدرسه تمدن‌ساز شناسایی می‌شد. شناسایی این مضامین، در تدوین الگوی تحقق مدرسه تمدن‌ساز ضروری بود. به عبارتی بر پایه این مضامین الگوی نهایی تدوین و طراحی می‌شد. برای تحلیل مضمون شیوه‌های متفاوتی مانند دپوی و گیتلین، ولکات، استبرگ، میلز و هابرم، لوفلند و لوفلند وجود دارد (محمدپور، ۱۳۹۲). روش دپوی و گیتلین^۱ (۲۰۰۵) یکی از نسخه‌های طبیعت‌گرا و کارآمد از تحلیل مضمون است. این رویکرد خاص مطالعات میدانی است و شامل شش مرحله‌آشنایی با داده‌ها، کدگذاری، جست‌وجو برای مضامین، تشکیل مضامین، مرور مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضمون و نگارش می‌شود (Braun & Clarke, 2006).

برای اطمینان از پایایی ابزارهای گردآوری اطلاعات، از دو روش کدگذاری مجدد توسط کدگذار دوم و کدگذاری مجدد توسط خود کدگذار استفاده شد. پایایی بین کدگذاران از مفاهیم پرکاربرد است که به معنای میزان توافقی است که کدگذاران مستقل، هنگام ارزیابی ویژگی‌های یک پیام یا متن به دست می‌دهند (Cohen & et al, 2011) که به آن توافق بین کدگذاران گفته می‌شود. بر مبنای پیشنهاد تحقیقات، در زمینه پایایی کدگذاری‌ها در مصاحبه‌های پژوهشی، پراستفاده‌ترین و ساده‌ترین روش برای محاسبه پایایی بین کدگذاران، ضریب توافق درصدی است که مقادیر بالای هفتاد درصد مطلوب گزارش شده است (خواستار، ۱۳۸۸).

درباره پایایی نیز از روش توافق یا همخوانی بین دو نفر استفاده شده است. به همین منظور، پنج مصاحبه انجام گرفته در اختیار یکی از متخصصان قرار داده شد و کدگذاری توسط این فرد انجام گرفت. پس از انجام این کار، همخوانی بین دو کدگذار محاسبه شد. ضریب توافق به دست آمده از دو کدگذار ۹۱ درصد می‌باشد که حاکی از توافق و همخوانی بالا و نیز ضریب پایایی مناسب است.

بعد دیگر در تعیین میزان کارآمدی ابزار، روایی است. در پژوهش‌های کیفی به جای واژه

1. Depoy & Gitlin.

روایی از واژه‌های دقت^۱ و صحت^۲ داده‌ها استفاده می‌شود. گوبا و لینکلن (2003)، به نقل از: Holloway & Wheeler, 2010) چهار روش را برای تأیید صحت و درستی داده‌ها پیشنهاد کرده‌اند که از سوی بسیار از پژوهشگران کیفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این چهار روش عبارت‌اند از اعتبار،^۳ قابلیت اطمینان،^۴ تأییدپذیری^۵ و انتقال‌پذیری^۶ که در این مطالعه بر رعایت آنها به شرح ذیل سعی شده است. برای اعتبار مطالعه می‌توان از روش‌های مختلف مانند درگیری طولانی‌مدت، مشاهده مداوم، سه‌سوسازی،^۷ پرسش و جست‌وجوگری از همکاران^۸ و کاوش به‌وسیله افراد مطالعه^۹ استفاده کرد (Holloway & Wheeler, 2010). در این پژوهش، از سه روش درگیری طولانی‌مدت، پرسش و جست‌وجوگری از همکاران و کاوش به‌وسیله افراد مطالعه استفاده شد.

یافته‌ها

سؤال اول: مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده مدرسه تمدن‌ساز اسلامی چیست؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا ۲۱ کد باز به‌دست آمد. در تحلیل سؤال‌های مصاحبه‌ها، بر اساس مراحل دپوی و گیتلین (۲۰۰۵)، مضمون‌هایی پدیدار شدند که همگی درباره نظرها و تجربیات مصاحبه‌شوندگان در عناصر و مؤلفه‌ها به منظور تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی بود. بعد از انجام هر مصاحبه، جملات معنادار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص شدند و کدها استخراج شد. کدگذاری هر مصاحبه به‌طور مجزا اما سازمان‌دهی طبقات باتوجه‌به وجوه مشترک بین مصاحبه‌ها انجام شد. سپس بازخوانی و بازنگری کدها منجر به حذف

-
1. Rigor.
 2. Trustworthy.
 3. Credibility.
 4. Dependability.
 5. Conformability.
 6. Transferability.
 7. Triangulation.
 8. peer debriefing.
 9. member check.

کدهای تکراری و ادغام برخی کدها شد. برخی طبقه‌ها به زیر طبقه‌ها تقسیم و برخی طبقه‌ها در هم ادغام شدند. پس از کدگذاری محوری مفاهیم شناسایی شده، پنج مقوله اصلی به عنوان مؤلفه‌های اصلی در ارائه الگویی برای تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی شناسایی شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

**جدول ۱: عناصر و کدهای شناسایی شده عناصر و مؤلفه‌های اصلی
به منظور تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی**

عناصر	کدهای مرتبط شناسایی شده
برنامه درسی	طراحی برنامه درسی جامع به منظور تربیت شهروند باسواد با رویکرد تمدن اسلامی (تبحر در سوادهای ده‌گانه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی-هنری، معنوی، علمی، اقتصادی - حرفه‌ای، فناوری، بهداشتی و زیست‌محیطی، سواد میان‌فرهنگی (جهانی))
رهبری بینش‌مند	ویژگی شخصیتی، دانش حرفه‌ای، نگرش راهبردی
جوّ سازمانی مدرسه	ساختار توانمندساز، قواعد و روش‌های سازمانی، جوّ‌گشودگی و اعتماد متقابل
عوامل فرهنگی	فرهنگ‌سازی مبتنی بر ارزش‌های بافت
منابع انسانی	گزینش، توانمندسازی

بر اساس نتایج حاصل از سؤال اول مبنی بر عناصر و مؤلفه‌های اصلی مدرسه تمدن‌ساز، پنج مفهوم برنامه درسی، رهبری بینش‌مند، جوّ سازمانی مدرسه، عوامل فرهنگی و منابع انسانی بود. سؤال دوم بر مبنای این مفاهیم شکل گرفت که در آن از اقدامات و سیاست‌های مرتبط با هریک از این مفاهیم سؤال شد.

سؤال دوم: اقدامات و سیاست‌های مرتبط با هر مؤلفه عناصر و مؤلفه‌های اصلی مورد نیاز برای تحقق مدرسه تمدن‌ساز کدام‌اند؟

در پاسخ به این سؤال، ۷۳ کد باز به دست آمد. پس از کدگذاری محوری کدهای شناسایی شده، نوزده اقدام و سیاست در راستای مبانی و اصول تمدن‌سازی اسلامی و مؤلفه‌های شناسایی شده تشخیص داده شد که جزئیات آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

**جدول ۲: اقدامات و سیاست‌های مرتبط با هر مؤلفه عناصر
و مؤلفه‌های اصلی مورد نیاز به منظور تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی**

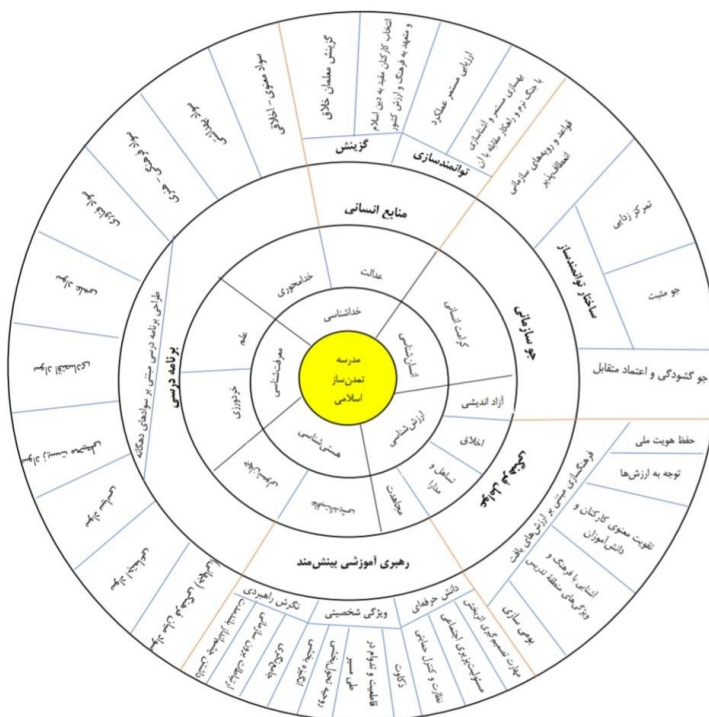
مبانی	اصول	عناصر	سیاست‌ها و اقدامات	کدهای شناسایی شده	
خداشناسی	عدالت	منابع انسانی	گزینش	انتخاب معلمان و کارکنان مقید به دین اسلام و متعهد به فرهنگ و ارزش کشور	
			گزینش شخصیت‌های خلاق	گزینش شخصیت‌های خلاق	
	توانمندسازی	بهسازی مستمر معلمان و آشناسازی با جنگ نرم و راهکار مقابله با آن	بهسازی مستمر معلمان و آشناسازی با جنگ نرم و راهکار مقابله با آن		
		ارزیابی مستمر عملکرد	ارزیابی مستمر عملکرد		
خدامحوری	خدامحوری	سواد معنوی (دینی و اخلاقی)	تعالی اخلاق و باورهای دینی	تعالی اخلاق و باورهای دینی	
			خودشناسی کرامت و عزت نفس	خودشناسی کرامت و عزت نفس	
			تعدیل عواطف	تعدیل عواطف	
معرفت‌شناسی	علم	برنامه درسی	سواد علمی	تفکر علمی-منطقی، دانش‌های پایه و عمومی	تفکر علمی-منطقی، دانش‌های پایه و عمومی
				تفکر انتقادی	تفکر انتقادی
				کنجکاوی و پرسشگری	کنجکاوی و پرسشگری
				خودفرمانی	خودفرمانی
				خلاقیات	خلاقیات
				آینده‌نگری و برنامه‌ریزی	آینده‌نگری و برنامه‌ریزی
				منش‌های تفکر‌گرایش به انجام عمل	منش‌های تفکر‌گرایش به انجام عمل
				یادگیری مادام‌العمر	یادگیری مادام‌العمر
	خردورزی	خردورزی	سواد سیاسی	اندیشه‌ورزی سیاسی	اندیشه‌ورزی سیاسی
				استقلال ملی	استقلال ملی
				عزت و اقتدار ملی	عزت و اقتدار ملی

منافع ملی	سواد اجتماعی	جهان‌شمولی	هستی‌شناسی	
مشارکت سیاسی				
قانون‌گرایی				
مسئولیت‌پذیری				
بردباری و تحمل				
وفاق و همدلی				
عدالت اجتماعی				
پاسداشت ارزش‌های اجتماعی				
مهارت‌های ارتباطی				
تحول‌گرایی اجتماعی				
حفظ و توسعه میراث فرهنگی - هنری				سواد فرهنگی - هنری
زیباشناسی و ذوق هنری				
هویت ملی				
ارزش‌های فرهنگی - هنری				
تعامل میان فرهنگی	سواد میان فرهنگی (جهانی)			
مسالمت‌جویی و تفاهم بین‌المللی				
کارآفرینی	سواد اقتصادی - حرفه‌ای			
بهره‌وری حفظ و توسعه ثروت ملی				
عدالت‌گرایی اقتصادی				
کیفیت‌گرایی				
انضباط مالی				
تفکر فناورانه	سواد فناوری			
دانش فناوری				
مهارت‌های فناوری				
تربیت بدنی	سواد بهداشتی			

سلامت فردی و اجتماعی				ارزش‌شناسی	
زیست‌بوم شهری	سواد زیست‌محیطی				
زیست‌بوم طبیعی و حیات وحش					
منابع طبیعی					
جامع‌نگری	نگرش راهبردی		عاقبت‌اندیشی		
ارتباطات برون‌سازمانی			مجاهدت		
داشتن چشم‌انداز بلندمدت					
ذکاوت و هوشیاری	ویژگی شخصیتی	رهبری بینش‌مند			
روحیه تحول‌گرایی					
انگیزه‌بخشی					
قاطعیت و تداوم در مسیر حرکت					
مهارت تصمیم‌گیری اثربخش	دانش حرفه‌ای				
مهارت نظارت و کنترل حمایتی					
مسئولیت‌پذیری اجتماعی					
آشنایی با فرهنگ و ویژگی‌های منطقه تدریس	فرهنگ‌سازی		عوامل فرهنگی		تساهل و مدارا
بومی‌سازی					اخلاق
به‌کارگیری ارزش‌های معنوی و دینی برای ارتقای کارکنان و دانش‌آموزان					
توجه به ارزش‌ها					
حفظ هویت ملی					
تمرکززدایی	ساختار توانمندساز	جوّ سازمانی	آزاداندیشی		
ساختار هوشمند و خلاق					
جوّ مثبت ایجادشده توسط مدیر					

وجود قوانین و مقررات	قواعد و روش‌های سازمانی		کرامت انسانی
انعطاف‌پذیر در مدرسه			
وجود مقررات و روش‌های			
وضع شده به صورت مشارکتی			
محیط کاری آرام و با نشاط	جوّ گشودگی و اعتماد متقابل		
اختیار			
استقلال			
انگیزه			
اعتماد			

در نهایت پس از احصای اقدامات و سیاست‌های متناسب با مؤلفه‌های استخراج‌شده، در راستای تحقق مدرسه تمدن‌ساز، الگوی ذیل ترسیم شد (شکل ۱).



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. فرهنگ، جامعه و تمدن بر محور انسان به وجود می‌آید و معنا و شکل می‌یابد. بنابراین، افراد انسانی به عنوان پایه‌های فرهنگ و جامعه و تمدن، موضوع تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد. از این رو، تعلیم و تزکیه یکایک افراد جامعه برای رسیدن به هدف جامعه عالم و سالم و متمدن و فرهنگی در دستورکار قرار گرفته است. لذا مدرسه اساس و زیربنای هرگونه توسعه و تغییر در جامعه به شمار می‌رود. این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدرسه تمدن‌ساز اسلامی و ارائه الگویی بدین منظور انجام شد. نتایج حاصل‌شده از کدگذاری نشان داد که پنج مؤلفه رهبری بینش‌مند (با کدهای شناسایی شده ویژگی‌های شخصیتی، دانش حرفه‌ای و نگرش راهبردی)، جوّ سازمانی (با کدهای ساختار توانمندساز، قواعد و روش‌های سازمانی، جوّ گشودگی و اعتماد متقابل)، عوامل فرهنگی (با فرهنگ‌سازی مبتنی بر ارزش‌های بافت)، منابع انسانی (با گزینش و توانمندسازی) و برنامه درسی (با طراحی برنامه درسی جامع به منظور تربیت شهروند باسواد با رویکرد تمدن اسلامی (تبحر در سوادهای ده‌گانه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی-هنری، معنوی، علمی، اقتصادی-حرفه‌ای، فناوری، سواد میان‌فرهنگی (جهانی)، بهداشتی و زیست‌محیطی)) در این زمینه مفید هستند. براین اساس الگویی به شرح ذیل طراحی شد:

مؤلفه اول مدرسه تمدن‌ساز برنامه درسی است. هسته اصلی آموزش و پرورش را می‌توان برنامه درسی دانست. کد اجرایی این عنصر، طراحی برنامه درسی مبتنی بر سوادهای ده‌گانه به دست آمد: سواد سیاسی با اندیشه‌ورزی سیاسی، استقلال ملی، عزت و اقتدار ملی، منافع ملی و مشارکت سیاسی؛ سواد اجتماعی با قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، بردباری و تحمل، وفاق و همدلی، عدالت اجتماعی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و تحول‌گرایی اجتماعی؛ سواد فرهنگی-هنری با حفظ و توسعه میراث فرهنگی-هنری، زیباشناسی و ذوق هنری، هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی و هنری؛ سواد معنوی (دینی و اخلاقی) با تعالی اخلاق و باورهای دینی، خودشناسی و کرامت و عزت

نفس، تعدیل عواطف؛ سواد علمی با تفکر علمی - منطقی، دانش‌های پایه و عمومی، تفکر انتقادی، کنجکاوی و پرسشگری، خودفرمانی، خلاقیت، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی، منش‌های تفکر گرایش به انجام عمل و یادگیری مادام‌العمر؛ سواد میان‌فرهنگی (جهانی) با تعامل میان‌فرهنگی و مسالمت‌جویی و تفاهم بین‌المللی؛ سواد اقتصادی - حرفه‌ای با کارآفرینی، بهره‌وری حفظ و توسعه ثروت ملی، عدالت‌گرایی اقتصادی، کیفیت‌گرایی و انضباط مالی؛ سواد فناوری با تفکر فناورانه، دانش فناوری و مهارت‌های فناوری؛ سواد بهداشتی با تربیت بدنی، سلامت فردی و اجتماعی؛ سواد زیست‌محیطی با زیست‌بوم شهری، زیست‌بوم طبیعی و حیات وحش و منابع طبیعی. تربیت به معنای وسیع کلمه باید همه ابعاد شخصیت فراگیران و لایه‌های زندگی فردی و اجتماعی آنان را دربرگیرد و صرفاً سواد خواندن و نوشتن کفایت نمی‌کند. فتحی و اجارگاه و همکاران (۱۳۹۱) برای هر صلاحیت ده‌گانه، فراز مورد نظر را در سند تحول بنیادین مشخص ساخته‌اند که به این شرح است: در بعد دینی با ویژگی مؤمن، ایثارگر، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، متکی بر ارزش‌های اسلامی؛ بعد اخلاقی: بر اصول اخلاقی و برخوردار از وجدان کاری؛ بعد علمی: دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری، برخوردار از دانش پیشرفته با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم؛ بعد فرهنگی - هنری: متعهد به هویت اسلامی - ایرانی، هم‌بستگی ملی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛ در بعد اجتماعی: برخوردار از انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، مسئولیت‌پذیر، فرصت‌هایی برابر به دور از فقر و فساد و تبعیض با تأکید بر عدالت اجتماعی؛ بعد سیاسی: امن، مستقل و پیوستگی مردم و حکومت، توسعه‌یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی. با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، دارای تعامل سازنده بر اساس اصل عزت، حکمت و مصلحت، دارای تعامل سازنده با جهان اسلام بر اساس الهام‌بخش و مؤثر در جهان اسلام؛ بعد اقتصادی - حرفه‌ای: رشد پرشتاب اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل، تأمین اجتماعی، توزیع متناسب درآمد به دور از فقر و فساد و تبعیض؛ بعد بهداشتی: برخوردار از سلامت و رفاه، امنیت

غذایی؛ بعد زیست محیطی: حفظ محیط زیست؛ بعد ارتباطات جهانی: دارای تعامل سازنده و فعال با جهان.

پرواضح است در صورت وجود فرازهای فوق در برنامه درسی مدارس و درونی‌سازی صلاحیت‌های فوق با آموزش خلاق که مد نظر سند تحول بنیادین نیز هست، رشد همه‌جانبه‌ای در دانش‌آموزان صورت می‌گیرد و مدرسه در مسیر تمدن‌سازی قرار می‌گیرد و جامعه آرمانی تحقق خواهد یافت و فردی شایسته به جامعه تحویل خواهد شد؛ و تمدن جز این نیست. درنهایت می‌توان گفت برنامه درسی استخراج‌شده از نظرهای متخصصان به منظور تحقق مدرسه تمدن‌ساز اسلامی با اصول و مؤلفه‌های علم، خردورزی، خدامحوری و جهان‌شمولی تمدن اسلامی هماهنگ و همسو است.

مؤلفه بعدی مدرسه تمدن‌ساز رهبری آموزشی بینش‌مند است، که با کدها و گویه‌های زیر تعریف شد: ویژگی شخصیتی با ذکاوت و هوشیاری، روحیه تحول‌گرایی، انگیزه‌بخشی و قاطعیت و تداوم در مسیر حرکت؛ دانش حرفه‌ای با مهارت تصمیم‌گیری اثربخش، مهارت نظارت و کنترل حمایتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ و نگرش راهبردی با جامع‌نگری، ارتباطات برون‌سازمانی و داشتن چشم‌انداز بلندمدت. اهمیت و جایگاه و نقش مدیران آموزشی به‌عنوان طراحان، هدایتگران و اداره‌کنندگان اصلی سازمان آموزش و پرورش بر کسی پوشیده نیست. مدیران آموزشی اصلی‌ترین سرمایه‌های سازمانی هستند و موفقیت سازمان‌ها تا حد زیادی مرهون شایستگی و صلاحیت آنهاست. درواقع هیچ سازمانی را نمی‌توان یافت که موفقیت پایدار را تجربه کرده باشد و از وجود مدیری خردمند برخوردار نبوده باشد (حاجی میرقاسمی، ۲۰۱۵). ایریش^۱ (۲۰۱۴) می‌گوید: از میان رویکردهای رهبری، وجود رهبرانی بینش‌مند از الزامات مدارس امروزی به‌شمار می‌رود. به زعم همت‌یار و همکاران (۱۳۹۸) رهبری بینش‌مند یکی از رویکردها در عرصه رهبری است که به توانایی رهبر در تعریف و بیان شفاف بینش سازمان و انتقال آن به پیروان و کمک به آنها در جهت تحقق آن بینش اشاره می‌کند. مدیرانی قادرند مدارس را به سازمان‌هایی موفق تبدیل کنند که بینش و مأموریت

1. Irish.

آموزشی مدرسه را به‌وضوح ترسیم، و به سایر ابعاد مدرسه منتقل، و تصمیمات خود را بر اساس آن اتخاذ کنند. چنین خصیصه‌ای در رهبران آموزشی می‌تواند مدرسه تمدن‌ساز را محقق سازد؛ زیرا با بصیرت و آینده‌نگری می‌تواند گام‌های مؤثری در رشد و تعالی مدرسه بردارد. یک بینش قوی چهارچوب فکری مشترکی را برای همه فراهم می‌کند تا تصویر یک‌سانی از آنچه مدرسه در آینده می‌خواهد به آن برسد به‌وجود آید. مؤلفه‌های رهبری بینش‌مند، اصل‌های عاقبت‌اندیشی و مجاهدت تمدن اسلامی را تبیین می‌کند.

عنصر سوم شناخته‌شده در این پژوهش به‌عنوان مؤلفه و شاخص مدرسه تمدن‌ساز، جوّ سازمانی است که یکی از کدهای مورد نیاز برای تحقق این کد، ساختار توانمندساز از طریق تمرکززدایی، ساختار هوشمند و خلاق و جوّ مثبت ایجادشده توسط مدیر مدرسه است. کد دوم شناسایی شده جوّ سازمانی در این پژوهش، قواعد و روش‌های سازمانی است که با اقدام‌های وجود قوانین و مقررات انعطاف‌پذیر و مشارکتی و محیط کاری آرام با شوخی و نشاط اجرایی می‌شود. کد سوم این عنصر جوّ گشودگی و اعتماد متقابل با اقدام‌های اختیار، استقلال، انگیزه و اعتماد است که اصل کرامت انسانی و آزاداندیشی در تمدن اسلامی را تبیین می‌کند. در مفهوم، عدم تمرکز به معنای میزان تفویض اختیار تصمیم‌گیری تعریف شده است. تمرکززدایی یکی از جلوه‌های بنیادین مدرن‌سازی تدریجی و مداوم و نیز اصلاح‌بخش عمومی است. امکان آزادی عمل برای مدیران و درعین حال دعوت از سایر معلمان به منظور شرکت در تصمیم‌گیری‌های مهم مدرسه، باعث ایجاد انگیزه و تشویق افراد به حضور در عرصه‌های اجرایی مدیریت خواهد شد. البته تغییر روند تصمیم‌گیری و ایجاد فرصت برای کسب مهارت و تجربه، به کارکنان و شخص مدیر امکان اشتباه کردن و آزمون و خطا را می‌دهد. لذا در این زمینه باید ارزیابی مستمر و بهسازی کادر مدرسه صورت پذیرد. به‌زعم حسینی و برارپور (۱۳۹۶)، تمدن آدمی مخلوق خلاقیت اوست. به‌یقین می‌توان گفت انسان معاصر بیش از پیشینیان خود به خلاقیت نیاز دارد. یادگیری، خلاقیت و آفرینندگی به‌عنوان یک ویژگی نامحدود در انسان، یکی از جلوه‌های پیچیده یادگیری اوست. انسان برای بقای خود نیازمند پرورش قدرت خلاقیت است؛ چراکه خلاقیت ابزاری است که انسان را در حل مسائل و

مشکلات گوناگون امروزی یاری می‌کند، که با بسترسازی مناسب برای عوامل انسانی باید صورت پذیرد تا کارکنان مدرسه با حس مسئولیت و تعهد کامل، اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند. مدل مدیریتی مدرسه تمدن‌ساز اسلامی باید اعتمادمحور باشد و افراد برای انجام فعالیت‌هایشان آزادی داشته باشند و تحت فشار قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های سخت و تعریف‌شده قرار نگیرند. به باور وانگ-کام (۲۰۱۲)، تغییرات مدرسه بدون حمایت فرهنگی سازمان نمی‌تواند موفق شود. آثار فرهنگ همه جنبه‌های مدرسه را از جمله اثربخشی و بهره‌وری، همکاری، ارتباط، فعالیت‌های حل مسئله، نوآوری و پیشرفت مدرسه را ارتقا می‌دهد، تعهد ایجاد می‌کند و انگیزش را برمی‌انگیزاند، انرژی را گسترش می‌دهد و بر نشاط مدرسه، کارکنان و دانش‌آموزان توجه و تمرکز می‌کند.

مؤلفه چهارم عوامل فرهنگی شناخته شد. کد شناسایی شده در این زمینه فرهنگ‌سازی مبتنی بر ارزش‌های بافت است که با به‌کارگیری ارزش‌های معنوی و دینی برای ارتقای کارکنان و دانش‌آموزان، بومی‌سازی، آشنایی با فرهنگ و ویژگی‌های منطقه تدریس، توجه به ارزش‌ها و حفظ هویت ملی تبیین شد. بوش (۱۳۹۹) به نقل از بوتری^۱ (۲۰۰۴) اذعان می‌دارد در بحث جهانی‌سازی فرهنگی که طی آن با پذیرش بی‌چون‌وچرای هنجارهای جهانی به‌ویژه غربی استانداردسازی صورت می‌گیرد، به نیازهای ویژه جامعه یا مدرسه توجه نمی‌شود. باتوجه به جهانی‌سازی آموزش و پرورش، مسائل فرهنگ اجتماعی بسیار حائز اهمیت‌اند. واکر و دیموک^۲ (۲۰۰۲) به مسائل بافتی اشاره می‌کنند و خاطرنشان می‌سازند که در بررسی و مطالعه سیستم‌ها و سازمان‌های آموزشی از «الگوهای بافت‌شکنانه» احتراز شود. لذا سازمان‌های آموزشی باید ارزش‌ها و استنباط‌های مشترک را به شیوه ملموس‌تر بیان کنند و به تقاضاهای جدید، مبهم و تهدیدکننده به شیوه‌ای مؤثرتر پاسخ دهند. همچنین سرجیووانی^۳ (۱۹۸۴) معتقد است «مدارس موفق» بخش‌هایی را به ارزش‌ها و اعتقادات اختصاص می‌دهند که دارای ویژگی‌های فرهنگی و اعتقادی است. انسان همواره در

1. Bottery.

2. Dimmock & Walker.

3. Sergiovanni.

جست‌وجوی چیزی ماورای خود بوده تا با تکیه بر آن، به امنیت و اعتماد پایدار دست یابد و برایش همیشه این پرسش مطرح بوده است که چگونه می‌تواند به زندگی خویش معنا بخشد. این معناجویی و معناخواهی یکی از نیازهای بنیادی انسان است که چنانچه به‌درستی هدایت شود، به دین‌باوری و خداپرستی می‌انجامد.

تمدن گسترده‌ترین ساخت هویت فرهنگی است. انسان‌ها به تعداد نقش‌ها و عضویت در «ما»های مختلف، هویت جمعی متفاوت دارند. در میان هویت‌های جمعی متفاوت، هویت ملی دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی است (رضایی کلاتری و همکاران، ۱۳۹۰). هویت ملی بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نهادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و عناصر فرهنگی‌اش (انصاری، ۱۳۸۳) باتوجه‌به مؤلفه‌های اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و دینی در هویت ملی و انعکاس این مهم در کتاب‌های درسی و عامل به عمل بودن متولیان تربیت محقق می‌شود. مؤلفه فرهنگ‌سازی سنتی بر ارزش بافت، اصل تساهل و مدارا و اخلاق در تمدن اسلامی را تبیین می‌کند.

مؤلفه نهایی در مدرسه تمدن‌ساز اسلامی منابع انسانی است که با گزینش صحیح و توانمندسازی آنان، نیل به هدف هموارتر می‌شود. در بحث گزینش، انتخاب معلمان و کارکنان مقید به دین اسلام و متعهد به فرهنگ و ارزش کشور و شخصیت‌های خلاق به‌عنوان اقدامات اجرایی اثربخش تعیین شد.

پویایی هر نظام تربیتی در این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی، شاداب و زنده نگه دارد. تمدن نوین اسلامی مؤلفه‌ای جدید در گفتمان سیاسی و فرهنگی عصر جدید محسوب می‌شود. تمدن نوین اسلامی در بستر دنیای مدرن و در مواجهه با شرایط جهان جدید، اعم از فناوری، رسانه، پدیده‌هایی مثل جهانی شدن و جنبش‌های جدید و مهم‌تر از همه فرهنگ مدرن، در حال شکل‌گیری است. به همین سبب، از یک سو در بستر و زمینه‌ای

جدید است که تفاوت‌های ماهوی با جهان سنت دارد؛ از سوی دیگر، کنشگران این تمدن نوین نیز لزوماً کنشگران سنتی نیستند.

دومین کد در بحث منابع انسانی، توانمندسازی با دو اقدام بهسازی مستمر منابع انسانی و آشناسازی با جنگ نرم و راهکار مقابله با آن و ارزیابی مستمر عملکرد بود.

همان‌طور که روس، راناس و بابان^۱ (۲۰۱۲) اذعان می‌دارند ویژگی سازمان‌های امروزی پویایی، پیچیدگی، ابهام و سنت‌گریزی است؛ به گونه‌ای که دائماً از محیط اطراف خود تأثیر می‌پذیرند و تغییر را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر پذیرفته‌اند. به منظور غلبه بر اوضاع نامطمئن، پیچیده و پویا، یکی از راه‌هایی که در عملکرد سازمانی مطلوب برای بقا و پیشرفت سازمان پیش روی مدیران قرار دارد، داشتن منابع انسانی توانمند است. کیفیت آموزش اتفاقی نیست و افراد شایسته و باصلاحیت از عنصرهای اصلی آن‌اند. به باور اسکات^۲ (۲۰۱۵)، نوآوری و خلاقیت از شایستگی‌های بسیار مهم در یک جامعه مبتنی بر دانایی است. خلاقیت عامل بقاست و مدرسه ابزار بقا؛ و بی‌تردید خلاقیت در تدریس به منزله یک پیش‌ران بسیار اثرگذار در نیل به اهداف آموزشی و یادگیری عمل می‌کند. برای نیل به این مقصود لازم است معلمان مجموعه تجارب یادگیری معناداری را تدارک ببینند که از طریق آنها خلاقیت دانش‌آموزان شکوفا شود و دانش‌آموزان را در این مسیر جهت دهند. مؤلفه منابع انسانی اصل عدالت در تمدن اسلامی را تبیین می‌کند.

هر ملتی دارای اهداف عالی و در پی رسیدن به توسعه است که تحقق آن منوط به برخورداری از تمدنی غنی است. در جهان امروز، آموزش و پرورش یکی از سازمان‌های مهم و مؤثر برای رسیدن به اهداف ترسیم‌شده برای کشور است. در این میان مدارس اهمیت خاصی دارند و این مهم مستلزم الگویی برای مدارس تمدن‌ساز اسلامی است که موافق با بافت و ارزش‌های ایران و انقلاب اسلامی است که زمینه کاربست و پذیرش آن را فراهم می‌آورد. براین اساس در این پژوهش، نظرهای صاحب‌نظران و اندیشمندان مرتبط مورد

1. Rus, Ranas & Baban.

2. Scott.

واکاوی قرار گرفت و مؤلفه‌های برنامه درسی، رهبری بینش‌مند، جوّ سازمانی مدرسه، عوامل فرهنگی و منابع انسانی به‌عنوان عامل‌های اثرگذاری که با هم در اجرایی شدن این الگو مؤثرند، شناخته شد.

کتابنامه

- آمدی، ابوالفتح (۱۳۹۲). غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الویری، محسن و محمدرضا برزویی (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۴، ص ۵۵-۸۲.
- الویری، محسن و سیدرضا مهدی‌نژاد (۱۳۹۲). «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی»، دوفصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، س ۹، ش ۱۸، ۱۶۳-۱۹۱.
- انصاری، منصور (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران، نشر دیدار.
- بوازار، مارسل (۱۳۵۸)، اسلام و حقوق بشر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بوش، تونی (۱۳۹۹). تئوری‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ترجمه محمد حسنی، مریم سامری و نرگس سکوتی، ارومیه، دانشگاه ارومیه.
- بینش، عبدالحسین (۱۳۸۸). آشنایی با تمدن اسلامی، قم، زمزم هدایت.
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۹۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). تکاپوی اندیشه‌ها، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام (ترجمه و تفسیر فرمان مبارک علی‌علیه‌السلام به مالک اشتر)، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- حسینی، افضل‌السادات و گلرخ برارپور (۱۳۹۶). مدرسه خلاق، مدرسه زندگی، تهران، انتشارات مدرسه.
- خلخال‌الی، علی و شهربانو قهرمانی (۱۳۹۱). «مدیریت کیفیت جامع: پیش‌بینی مقدار نهادی‌سازی کیفیت در مدارس»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره سوم، ش ۱۰، ص ۱-۲۰.

- خواستار، حمزه (۱۳۸۸). «ارائه روشی برای محاسبه پایایی مرحله کدگذاری در مصاحبه‌های پژوهشی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۵، ش ۵۸، ص ۱۶۱-۱۷۴.
- رضایی کلانتری، مرضیه و همکاران (۱۳۸۳). «تأثیر مؤلفه‌های آموزش و پرورش در شکل‌گیری هویت ملی دانش‌آموزان»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، س ۵، ش ۳، ص ۵۱-۶۶.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۱). کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- زمانی‌محبوب، حبیب (۱۳۹۶). «مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن اسلامی»، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان‌شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد.
- برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴ق). ادیان در خدمت انسان، تهران، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر.
- عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱). تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل‌بیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فتحی‌وآجارگاه، کوروش و همکاران (۱۳۹۲). «مدرسه زندگی باید در پی تربیت کدام شهروند مطلوب باشد؟»، دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ششم، ش ۱۱، ص ۹-۴۴.
- فیض‌کاشانی، مولی‌محسن (۱۳۳۹). محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، مکتبة الصدوق.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۵۴). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- متقی‌هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۳ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۷۲). «میزگرد فرهنگ و تمدن اسلامی»، نشریه‌نامه فرهنگ، س ۳، ش ۱۲، ص ۱۱-۳۴.
- محمدآبادی، حمزه و مراد یاری‌دهنوی (۱۳۹۹). «تبیین و نقد جریان مدارس تمدن‌سازی امام خمینی در ایران»، فصلنامه تربیت اسلامی، س ۱۵، ش ۳۳، ص ۷-۲۹.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران، جامعه‌شناسان.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن، قم، مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب.
- مهاجرانی، عطاءالله (۱۳۷۵). «تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه راهبرد، ش ۱۲، زمستان، ص ۱-۶.
- همتیار، زهرا و همکاران (۱۳۹۸). «شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های رفتاری رهبران آموزشی

بینش‌مند در مدارس ابتدایی: پژوهش کیفی و پدیدارشناسانه»، فصلنامه مدیریت مدرسه، س ۷، ش ۳، پاییز، ص ۱۴۳-۱۶۰.

Augustiniene, A. & et al (2015). "Social responsibility of a Comprehensive school: Theoretical insights of Its Modelling", *International Journal on Global Business Management & Research*, 3(2), p. 23-41.

Braun, V. & V. Clarke (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3, p. 77-101.

Cohen, L. & et al (2011). *Research methods in education* (7th Ed), New York, Routledge Falmer.

Heck, R. H. & K. Moriyama (2010). Examining relationships among elementary schools' contexts, leadership, instructional practices, and added-year outcomes: A regression discontinuity approach, *School Effectiveness and School Improvement*, 21(4), p. 377-408.

Holloway, I. & S. Wheeler (2010). *Qualitative research in nursing and healthcare*, Oxford, UK, Blackwell.

Irish, S. C. (2014). *Leadership Qualities Necessary for Educational Leaders to Becom Effective Turnaround Principals: A Grounded Theory Study, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctore*, Liberary University, Lynchburg.

Rus, C. L. & et al (2012). An analysis of environmental changes, resources and performance: an internal police organization perspective, *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, v. 33, p. 727-731.

Scott, C. L. (2015). *The Futures of Learning 3: What Kind of Pedagogies for the 21st Century?* Paris, Unesco.

Sergiovanni, T. (1984). Leadership and excellence in schooling, *Educational leadership*, 4 (5): p. 4-13.

Walker, A. and C. Dimmock (2002). Introduction in A. Walker and C. Dimmock (eds), *School Leadership and Administration: Adopting a Cultural Perspective*, London, Routledge Falmer.

Wong-Kam, J. W. N. (2012). *Creating a climate for innovation: reframing structure, culture & leadership practices*, Unpublished doctoral dissertation, University of California.